



وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار،

بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

سوره مبارکه آل عمران \_ آیه ۱۶۹

ایثار و شهادت، ستون‌های هویت ملی و دینی ما هستند. روز شهید، فرصتی برای بازخوانی فرهنگی می‌باشد که با خون شهدا آبیاری شده و از دفاع مقدس تا امروز، ضامن عزت و استقلال ایران بوده، این ایام فرصتی برای تجدید پیمان با پرچمداران ایثار و فداکاری است.

۲۲ اسفند، روزی است برای تجلیل از مردان و زنانی که با ایثار و فداکاری خود، تاریخ ساز شدند و امنیت امروز ما را رقم زدند. این روز، تنها یک یادآوری از گذشتگان نیست، بلکه فرصتی برای تجدید پیمان با کسانی است که برای حفظ عزت و استقلال کشور، جان خود را فدای وطن کردند و امروز ما مسئول ادامه دادن این راه و پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی هستیم.

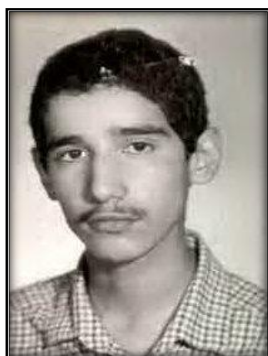
سرو قامتان همیشه سبزی که خون پاک و مطهرشان، ضامن بقای اسلام و سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی است و یاد و نام جاودانشان به عنوان ستاره‌های درخشان و گنجینه‌های ارزشمند تاریخ امروز و نسل فردای ما، زینت بخش کتاب زرین سراسر حماسه و سرافرازی مردمان این سرزمین می‌باشد و راه پرفروغشان همچون چراغ فروزانی برای همیشه تاریخ بر تارک عرش می‌درخشد و چشم جهانیان تا ابد، محو تماشای شکوه جلال و عظمت آستان بندگی آنان است.

### **برادران شهید فضل اله و حجت اله قربانعلی پور**



شهید فضل اله هجدهم اسفند ۱۳۴۳، در تهران چشم به جهان گشود. پدرش اسماعیل و مادرش، فرنگیز نام داشت. در دوره نوجوانی در تظاهرات مردمی در پیروزی انقلاب به همراه برادر و پدر شرکت می‌کرد. سال ۱۳۵۹ همزمان با شروع جنگ تحمیلی به عنوان پاسدار در جبهه های حق علیه باطل حضور یافت و عازم جبهه های جنوب شد. طی چندین بار اعزام به مناطق جنگی دلاورهای زیادی از خود نشان داد و در طول مدتی که به جبهه می رفت همیشه بالاترین آرزویش را شهادت در راه خدا ذکر کرده بود.

در بهمن ماه سال ۱۳۶۲ از طرف ستاد مشترک سپاه پاسداران عازم جبهه شد، در آن زمان دانشجوی ترم اول دانشکده اقتصاد بود او در لشکر حضرت رسول الله(ص) گردان حضرت مسلم حضور داشت سرانجام بعد از رشادتهایی که از خود نشان داد در ۲۲ اسفند ماه ۱۳۶۲ در زیر بمباران دشمن در پل طلائی ( جزیره مجنون) به همراه برادر کوچکش به لقاء الله پیوست.



شهید حجت اله هفت بهمن ۱۳۴۶ در تهران متولد شد. با همان سن کم همراه پدر و پدرش در تظاهرات مردمی علیه رژیم شاهنشاهی حضوری فعال داشت. تا اول متوسطه درس خواند. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. ۲۲ اسفند ۱۳۶۲، همراه برادرش در جزیره مجنون، شهید شد. پیکر مطهرش مدتها در منطقه برجای ماند و پس از تفحص، تشییع و به خاک سپرده شد.

## شهید علی آقا پاک جسم پور فرد



شهید علی آقا پاک جسم پور فرد چهارم اردیبهشت سال ۴۱ در تهران به دنیا آمد. سال ۵۷ و در تبوتاب انقلاب بود که دیپلمش را از دبیرستان خوارزمی گرفت. اهل مطالعه و تفکر بود. درخصوص خیلی از مسائل به سادگی عبور نمی کرد. علوم فلسفه را دوست داشت کتاب های «علامه طباطبایی» را با اشتیاق مطالعه می کرد، به طوری که بیشتر اوقات کتاب به دست بود.

یک سال از انقلاب اسلامی گذشته بود که به سپاه پاسداران ملحق شد. بعد گذشت چندی به کرمانشاه رفت و دوشادوش شهید بروجردی و نیروهای انقلابی با معاندین و افراد ضدانقلاب مبارزه کرد. روحیه انقلابی، چالاکی و شامه تیزش باعث اثبات وی نزد فرماندهانش شد و همین دلیلی شد تا بعد از چندماه حضور در غرب کشور مسوولیت اطلاعات سپاه آن جا به وی واگذار شود.

شهید پاک جسم پور فرد که او را بنام هادی محمدی می شناسند، در زمان ناآرامی های غرب و جنگ تحمیلی با وجود داشتن مشغله کاری زیاد و همچنین مسوولیت های مهم و حساسش، هر زمان که وقتش آزاد می شد به طور مخفیانه لباس یک بسیجی ساده را برتن می کرد و به عمق عملیات ها می رفت. روحیه جهادی اش سبب شد علیرغم اینکه در سال ۶۲ با رتبه ی خوبی در رشته مهندسی مخابرات وارد دانشگاه شده بود و یک ترم هم درسش را خوانده بود، به جبهه نبرد علیه دشمن بعثی برود و زمانی که با این سوال درخصوص اینکه چرا دیگر درسش را ادامه نداده و به جبهه و جنگ روی آورده؛ روبرو می شود، این گونه پاسخ می دهد: «امروز باید به جبهه های نبرد علیه دشمن رفت و جنگید؛ اگر بعدها فرزندم از من سوال کند هنگام جنگ کجا بودی؟ و چه کار کردی؟ آیا جواب مناسبی دارم که وی بدم؟»

سه سال حضور شهید در جنگی تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی، افتخارات ارزنده فراوانی را برای اسلام و انقلاب به ارمغان آورد اما به دلیل آن که بیشتر ماموریت هایی که وی حضور داشت محرمانه بود، بسیاری از دلاوری هایش تا به امروز فاش نشده است. سرانجام در ۲۲ اسفند سال ۱۳۶۲ در جزیره مجنون و در عملیات خیبر بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه شهید

اینک که خداوند توفیقی داده است تا بتوانیم به جبهه های جنگ گذری داشته باشیم و اگر خدا خواست توفیق شهادت نصیبمان گرداند، مطالبی چند لازم به گفتن است. هر چند که بسیار بی سرمایه تر از آن هستیم که این نعمت الهی نصیب ما گردد؛ ولی چه کنیم که عشق دوست در قلبمان است و به هر حال خواهان دیدار... و تو مادر دلسوز! می دانم که نمی توانی از گریه کردن خودداری کنی؛ ولی بدان که فرزندت اگر خدا قبول کند، برای رضای پروردگار و در راه اسلام کار کرده است. پس اگر گریه می کنی از روی ضعف نباشد که انا لله و انا الیه راجعون و چه بهتر که این رفتن به سوی او با شهادت توأم باشد.

## شهید حسنعلی ترابی زیارتگاهی



شهید حسنعلی ترابی زیارتگاهی در آذرماه ۱۳۳۹ در روستای شهررضا چشم به جهان گشود. در ایام طفولیت دست تقدیر پدرش را از او گرفت و با طعم تلخ بی پدری عجیبین و تحت تکفل مادر قرار گرفت مادر جهت ادامه تحصیلات وی به شهرضا نقل مکان نمود. پس از طی دوران تحصیلی وی از مبارزه علیه رژیم ستمشاهی غافل نماند و همراه با دیگر اقشار جامعه در صفوف راهپیمائی ها و مبارزین شرکت می کرد.

از همان دوران کودکی به علت نبودن سایه پدر و به منظور کمک به مادر هیچ گاه دست از کار و تلاش برای امرار معاش برنداشت. پس از پایان تحصیلات به خدمت سربازی اعزام گردید در مراجعت از سربازی در کنکور سراسری شرکت نمود و در رشته مهندسی مخابرات دانشگاه تهران پذیرفته شد. پس از مدتی تحصیل نتوانست سنگر نبرد را خالی بگذارد و به دفاع از کیان کشور شتافت و به گفته خودش: خداوند مرا بین دو دانشگاه آزمایش می کند و من جبهه را به دانشگاه ترجیح می دهم.

پس از ورود به میدان نبرد و شرکت در عملیات های مختلف در سال ۱۳۶۲ در تیپ ۴۴ قمربنی هاشم در مقابل بعثیان جنگید از ناحیه پاشنه پا با اصابت ترکش خمپاره مجروح گردید پس از طی دوران نقاهت با وجود کامل نشدن مراحل بهبودی مجدداً به جبهه مراجعت نمود. و سرانجام در عملیات والفجر ۸ در جزیره مجنون در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۶۳ به فیض شهادت نایل آمد و به دیدار معبود شتافت.

## فرازی از وصیت نامه شهید

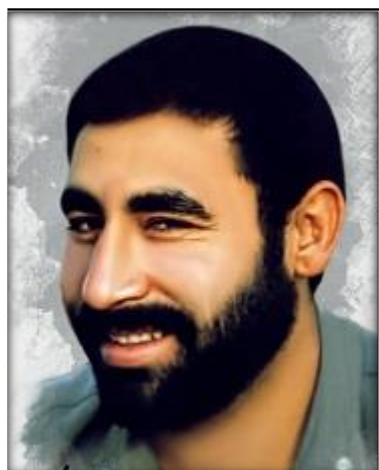
سپاس خداوندی را که تمام هستی از اوست

و دل را در گرو دلبندی چون اوئی نکوست

آن هنگام که بدن انسان از گل فرشته شد و سپس از روح حق در آن جسم مادی دمیده شد جهشی بسیار در آن صورت گرفت روح معنوی در پیکر مادی و اکنون امانتی را انسان باید به صاحبش برساند که صد دام برای ربودنش گسترده اند و تمام این دامها منبعث از انفس اماره خود انسان است که ابلیس را در آن راه و پناهی هست و انسان با مبارزه با این هوای نفسانی باید که از تمام موانع بگذرد و امانت را به دست صاحبش برساند و در چنین صورتی است که دل مهجور را به وصال معشوق امید می است.

بهترین راه و شرافتمندانه ترین ، زیباترین و جذاب ترین و... راه رسیدن به حق شهادت است . بعد از دمیده شدن روح در جسم گلی که موتاسیون و جهش حساب می شود این دومین جهش و والاترین جهشی که در انسان صورت می گیرد قلم قدرت وصف این ارتقاء ندارد زیرا که در جهش اول امکان این هست که انسان بوسیله گناه از خدا دور می شود ولی جهش دوم او را به خدا متصل می سازد.

## فرمانده شهید غلامرضا آقاخانی



شهید غلامرضا آقاخانی در یازده مهر سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان شهرضا دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در آن شهر گذراند و پس از مهاجرت به اصفهان در دبیرستان ادب تحصیلاتش را ادامه داد. پس از اخذ دیپلم، به خدمت سربازی اعزام شد و در این دوران به عنوان عضو فعال سپاه دانش به یکی از روستاهای استان اصفهان رفت.

این شهید بزرگوار در اوج درگیری‌های سال ۱۳۵۷ به اتفاق تنی چند از دوستانش، به مبارزه علیه رژیم ستمشاهی پرداخت و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در آموزش و پرورش استخدام شد و به روستاهای اطراف اصفهان رفت.

وی که مدتی را نیز در آموزش و پرورش ناحیه ۵ اصفهان به تدریس مشغول بود، ضمن تدریس، در رشته معماری دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و با شروع جنگ تحمیلی بر خود واجب دانست که سنگر علم و دانش را رها نموده به سنگر جهاد بپیوندد. پس از گذراندن دوره آموزشی به منطقه غرب کشور رفت و مسئول مخابرات سپاه سنج شد. با شروع عملیات «لاله‌الاله» نیز عازم مریوان شد و در طول عملیات، در خدمت حاج احمد متوسلیان با دشمنان بعثی به نبرد پرداخت. شهید آقاخانی پیش از عملیات والفجر ۴، به گردان موسی بن جعفر لشکر امام حسین (ع) پیوست و فرماندهی این گردان را عهده‌دار شد. وی عملیات‌های والفجر ۴، خیبر و بدر را در کنار رزمندگان گردان موسی بن جعفر گذراند.

این شهید بزرگوار نه تنها بر حسب ظاهر فرماندهی می‌کرد، که به دل‌ها نیز حکومت داشت. همه او را دوست داشتند؛ بسیار خوش رو و خوش برخورد بود. با آنکه فرمانده بود اما همیشه در بین رزمندگان و در نقاط پرخطر حاضر می‌شد. در شجاعت نظیر نداشت. وی در عملیات بدر در حالی که فرماندهی گردان موسی بن جعفر را بر عهده داشت، در ۲۲ اسفند ۱۳۶۳ در جزیره مجنون به فیض عظیم شهادت نائل شد.

